

گیخاتو و غازان

گیخاتو

(۶۹۰-۶۹۴)

پس از مرگ ارغون دسته‌ای از امراء مانند طغاچار و طوغان طرفدار بیدونواده هلاکو بودند، بیدو در بغداد نایب الحکومه بود. دسته دیگر به بیدو راضی نگشته و گیکخاتو را برای این کار مستحق میدانستند و به او بیعت کردند. قوریلتای تخت نشینی گیکخاتو در کنار دریاچه وان تشکیل شد و به (بیش بهادرین جواهر) ملقب گردید این لقب رایسکی از روحانیون بودائی به او داده و روی سکه هایش دیده میشود. تاجپوشی گیکخاتو پس از چهار ماه و نیم از مرگ ارغون صورت گرفت. در طول این مدت هر چند طوغاچار و بعضی امرای دیگری مغول سعی کردند نایب الحکومه‌های ایالات را تعیین کنند باز هم انارشی در کشور رونما گردید و نایب الحکومه‌های بعضی از نقاط بنای شورش را گذاشتند، گیکخاتو قبل از آنکه به این عهده برسد، نایب الحکومه ایشیای کوچک بود.

گیخاتو مرد رؤف و مهربان و سخنی بود و صاحب حبیب السیرا و راسخی ترین فرزند هلاکو عیداند از خونریزی و قتل و قتل خوشش نمی آمد مانند پادشاهان سابق این خانواده دستش را بخون مردم نیالود. خواجه صدر الدین احمد خالدی زنجانی را بر تبه صدارت و وزارت تعیین کرده بود (۱۶ ذ الحجه ۶۹۱ هجری) زنجانی از قضات زاد گمان ولایت زنجان بود (۱) هر دو نفر پادشاه و وزیر مردمان مسرفی بودند و روز را بخوشگذرانی سپری میکردند خزانة را بین شهزادگان، امرا و خوانین تقسیم نموده و میگفت این نوع امتعه مخصوص زنان است که به آن خود را ایبا را ایند، امر

(۱) دستورالوزرا.

آزاد کردن محبوسین را داد، هیچ نوع کاری که خلاف عدالت باشد از او دیده نشد و زندگانی خود را بیش و عشرت و دف و چنگ و حشر با زنان و هتک پرده حرمت مستورات امر از ارکان دولت میگذاردند. بزودی خزانه دولت خالی شد و عایدات دولت نمیتوانست مصارف دربار را جبران کند. عزالدین مظفر بن محمد بن حمید چاره این کار را جز نشر چکاو (پول کاغذی) چیزی دیگری ندیده این کاغذها قبلا در چین رواج داشت و مردم با استعمال آن عادت کرده بودند. در سر تاسر کشور خراسان مراکز عمده برای نشر و چاپ این پول کاغذی (چاوخانهها) تاسیس کردند و مردم را از استعمال اشیا و فلزات قیمتی ممانعت مینمودند. این نوتها عبارت از پارچه های کاغذ مستطیل شکل بود که یکروی آن کلمه را گذاشته بودند و قیمت نوت را (از نیم درهم تا ده درینار باشد) در یک دایره نوشته بودند نوت نوشته دیگری هم داشت باین عبارت: «پادشاه جهان این چاو مبارک را بسال ۶۹۳ صادر کرد.» (۱) کسانی که این نوت را تغییر میدادند یا روی آنرا باطل میکردند باعیال و اطفال بقتل میرسید و دارائی اش ضبط میشد نوت هائیکه با اثر استعمال فرسوده میشد آنرا بچاوخانه می آوردند و نوت تازه ای شبیه آن صادر میشد و بگردانند.

نشر چکاو در تبریز با شورش اهالی مواجبه گردید مردم اصلا مایل نبودند پول کاغذی بین ایشان مروج گردد. بنابراین دکانها را بستند و شهر را ترك گفتمند و آذوقه را در انبارها مخفی کردند و ازین جهت به عزالدین مظفر که آله نشرا این کاغذهای منفور بود لعنت میکردند و اشعار مانند اشعار ذیل در ذم او میسرودند:

تو غیر دینی و ظل جهانی
جهانرا هستی تو نیست درخور
ازان گبر و مسلمان و یهودی
پس از توحید حق و الله اکبر

(۱) برون ص ۳۸

همی خواهند از روی تضرع به نزد حضرت دارای داور
خدا را بر مراد خویش هرگز مبادا در جهان یکدم مظفر (۱)
در شیراز و جاهای دیگر نیز مخالفت ها برخاست، اشراف مغول و اعیان
ملك با اتفاق صدر جهان نزد گسیختگان و به تضرع رفتند و بالاخره
مشارایه مجبور گردید امرای لغای چاورا صادر کنند، مدت انتشار
و ترویج پول کاغذی دو ماه بود.

مدتی پس از این واقعه گسیختگان بعد از شراب نوشی، بیدار نواده هلا کورا
توهین کرد و یکی از خدمه را امر نمود چند مشتی بروی او بزند،
چون بحال آمد ازین کنار پشیمان شد و امر داد بیدورا با انعام و بخشش
استمالت کنند، بیدو در اول راضی شد و باخان آشتی کرد اما در غیاب
با امرای ناراضی مغول دست يك نموده و بر گسیختگان شوریدند، اهالی نیز
از او دلخوش نداشتند افرا - اورادر عیاشی و خوشگذرانی به نظر بد
میدیدند از اینجاست که گسیختگان مجبور به فرار شد میخراست بروم بدریزد
اما تفاجار جنرال مغولی با او خیانت کرد بعلت همین خیانت بیخا تو
بدست شورشیان گرفتار شد و بروز پنجشنبه ۲ جمادی الثانی ۶۹۴ هجری
(۲۳ اپریل ۱۲۹۵) کشته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بیدو:

پس ازین واقعه بیدو به انتخاب طغان بخار و سایرین امرآ در همدان تاجپوشی
نمود و تخت نشینی خود را با باده نوشی جشن گرفت. بعد از مرگ اسم
تاجگذاری وزیر سابق صدر جهان را معزول کرد و عوض او جمال الدین
دستجردانی را انتخاب نمود، منصب امیرالامرائی و نیابت حکومت ایشیای
کوچک را به طغانجا گذاشت. بیدو برای مدت زیادی نتوانست سلطنت را
نگهدارد، در همان اوایل طغانجار و صدر جهان با او مخالف شده غازان خان
را از خرابی او ضاع مطلع ساختند غازان خان به آنها جواب موافق داده

(۱) برون ص ۳۸

با امیر نوروز به جانب آذر بایجان روان شد. در گیلان طغاجار
و صدر جهان با او پیوستند. چون ازین واقعه خبر شد بطرف سرجستان
گریخت امیر نوروز او را تعقیب کرده دستگیر و پیش غازان خان فرستاد
غازان خان کناریرا که بیدو با گیشخانو انجام داده بود با او کرد.
غازان (۶۹۴، ۷۰۴)

پس از آنکه بیدو به کمک و مساعی نوروز خان و به امر غازان به قتل رسید
در ذیحجه ۶۹۴-۱۲۹۵ به سلطنت رسید. قوریلتای تخت نشینی او در قره باغ
(نزدیک ازال ایران) صورت گرفت درین انجمن شهزاده گان و خوانین
حاضر شده بودند و غازان را بر سر بر خانی نشانیدند. غازان وقتی از طرف
پدرش ارغون نائب الحکومه خراسان بود دین بودائی داشت و در همین
وقت معبد بودائی در قوچان ساخت نوروز افسر بزرگ نظامی اش را
مقتل داد ساخت که اسلام را قبول کنند غازان خان بروز تخت نشینی
خود را مسلمان اعلان کرد ، التمساعوا که مربع بود مدور ساخت و بین
آن سه لاله الا الله محمد رسول الله را گذاشته و امر داد بر سر
ملکوت ها و فرمان های او بسم الله الرحمن الرحیم بنویسند. حکام و امرای
محللی مسلمان قبلا بدر بار مغول راه یافته بودند درین دوره نیز نقطه
های حساس اداری مملکت به همین اشخاص سپرده شد امیر نوروز عهده
امیر ال امرائی داشت خواجه صدرالدین احمد زنجانی را بوزارت گماشت
اما بواسطه سعایت بعضی از درباریانها نوروز بزودی صدرالدین احمد را
معزول کرد و نزدیک بود کشته شود اما یکی از امراء که هر قداق نوئین
نام داشت بی گناهی او را بعرض غازان خان رسانیده (۱) روضة الصفا حدایت
خوش مزه ای از زبان صدر جهان درین مورد نقل میکند: «از صدر جهان
منقولست که گفت در اوقات گرفتاری شبی مرا خواب درر بود و دیده بصیرت من
در واقع چنان مشاهده نمود که روز جمعه مرا بسیاست گناه بردند (باقی دارد)

(۱) دستورا لوز راه ص ۳۰۱

